

مهلت اضافی و آثار آن با نگاهی به اسناد بین المللی و حقوق ایران

مرتضی حاجی پور

دانشیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

Ac.hajipour@azaruniv.ac.ir

چکیده:

اجرای قرارداد مطلوب نهایی هر طرف قراردادی است و ضمانت اجرای نقض آن بسته به نوع نظام حقوقی از الزام به اجرای عین قرارداد تا فسخ در نوسان است. لیکن ممکن است طرف زیان‌دیده به طرف مقابل جهت اجرای قرارداد مهلت جدیدی اعطا کند. با اعطای مهلت دو اثر فوری حادث می‌شود: اولاً، دیگر امکان توسل به ضمانت اجراهایی که در تضاد با اعطای مهلت است ممکن نیست. ثانیاً، اعطای مهلت تأثیری بر حقوق مکتسبه: حق فسخ و خسارت ناشی از تاخیر در اجرای قرارداد نمی‌گذارد. شناسایی این دکترین که ریشه در حقوق آلمان دارد در هماهنگی با اصول متعددی از حقوق قراردادهای است که امروزه تزئین کننده بسیاری از اسناد حقوقی ملی و بین المللی است اصولی چون حفظ قرارداد، تفسیر به نفع قرارداد، حسن نیت، ممنوعیت رفتار متناقض، معقولیت و... این مقاله در نظر دارد به روش توصیفی و تحلیلی و به صورت تطبیقی دکترین اعطای مهلت اضافی را در کنوانسیون وین، اصول حقوق قراردادهای اروپا، اصول یونیدروا و حقوق ایران به محک ارزیابی قرار دهد. به اجمال می‌توان گفت شناسایی این دکترین گامی است در راستای حفظ قرارداد و امنیت روابط حقوقی و از این رو در هماهنگی با اصول حاکم بر قرارداد است.

کلید واژگان:

مهلت اضافی، حفظ قرارداد، فسخ، کنوانسیون وین، یونیدروا، اصول اروپایی و ایران.

مقدمه

هدف اصلی طرفین هر قراردادی اجرای تعهدات ناشی از آن است. سیستم‌های مختلف از طریق پیش‌بینی نهادهای مختلف در حمایت از این مقصود طرفین گام برمی‌دارند. پیش‌بینی اصولی چون لزوم قرارداد، ابقای قرارداد، الزام به اجرای قرارداد، محدود شدن فسخ قرارداد به موارد نقض اساسی، اعطای مهلت اضافی و ... مصادیقی از این دست از مقررات می‌باشد. اعطای مهلت اضافی ابزاری است که به طرف مقابل این امکان را می‌دهد که علی‌رغم نقض به اجرای قرارداد بپردازد تا از تبعات فسخ اجتناب کند. اعطای مهلت در عین این که مدت قرارداد را طولانی می‌کند آثار مهمی در رابطه طرفین قرارداد دارد من جمله این که در جریان مدت اضافی امکان توسل به فسخ قرارداد وجود ندارد؛ امکان الزام به اجرای عین تعهد نیست و ... با توجه به نقش و آثار مهمی که این طریق در حمایت از قرارداد و ابقای آن دارد ضرورت دارد ابعاد مختلف موضوع چون ماهیت، شرایط اعطای مهلت و آثار آن در رابطه با طرفین قرارداد و حقوق منبث از آن با نگاهی تطبیقی مورد مطالعه قرار گیرد. در این راستا سه سند مهم مبنای قرار گرفته است: کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا موسوم به کنوانسیون وین سال ۱۹۸۰، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی موسوم به اصول یونیدروا و اصول اروپایی قراردادهای. در این اسناد به طور مشخص طریق اعطای مهلت مورد توجه قرار گرفته است که به دلیل اهمیت این اسناد ضرورت دارد رویکرد این سند که اولی از اسناد مهم بین‌المللی است و کشورهای دارای سهم حداکثری در اقتصاد جهانی عضو آن هستند و دومی و سومی نیز بیانگر حقوق نرم در حوزه قراردادهای تجاری بوده و برای کشورهای مختلف اصول نمونه‌ای را در وضع قوانین و اصلاح آن ارائه کرده‌اند مورد توجه قرار گیرد. متعاقب بررسی موضوع و جایگاه آن در اسناد مذکور موضوع را از منظر حقوقی ایران مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

در همین راستا با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و استفاده از اسناد کتابخانه‌ای این تحقیق در چند بند تنظیم شده است: در بند اول مفهوم مهلت اضافی و اهداف آن مطالعه می‌شود. در بند دوم شرایط اعطای مهلت اضافی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بند سوم به بررسی آثار استفاده از اخطار تعیین مهلت می‌پردازد. بند چهارم به بررسی موضوع در حقوق ایران پرداخته و در نهایت نتیجه تحقیق ارائه خواهد شد.

۱- مهلت اضافی و اهداف آن

مطلوب اساسی طرفین قرارداد اجرای آن است به نحوی که بر عدم اجرای قرارداد ضمانت اجراهای متعددی در نظام‌های مختلف حقوقی پیش‌بینی شده است؛ الزام به اجرای عین تعهد، تقلیل ثمن، فسخ قرارداد، جبران خسارات ناشی از نقض و ... در کنار این ضمانت‌اجراها اصولی چند بر قراردادهای نیز حاکم است. یکی از این اصول، اصل حفظ قرارداد^۱ است که امری متفاوت از اصل لزوم قرارداد است؛ در لزوم، تاکید بر این است که پایبندی طرفین به قرارداد محتوم بوده و بر هم زدن آن ممکن نیست و اگر هم در فرضی امکان بر هم زدن یکطرفه قرارداد باشد می‌بایست آن را تفسیر مضیق نمود و به موارد مشابه تسری نداد. در حالی که در اصل حفظ قرارداد تمرکز بر این است که می‌بایست قرارداد منعقد شده را تا جایی که ممکن است حفظ کرد تا از قبل حفظ آن، امنیت روابط حقوقی نیز تامین شود. در راستای تامین این اصل مهم^۲ احکام و مقررات مختلفی در سیستم‌های حقوقی پیش‌بینی شده است من جمله محدود شدن فسخ قرارداد به موارد نقض اساسی^۳ در کنوانسیون وین، اصول اروپایی و اصول یونیدورا. ماده ۲۵ کنوانسیون در مقرر می‌دارد: «نقض قرارداد توسط هر یک از طرفین در صورتی اساسی است که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر گردد که او را به طور اساسی از آنچه که انتظار آن را طبق قرارداد داشته است، محروم سازد.

¹ Favour Contractus.

² Allison E. Butler, A Practical Guide to the CISG: Negotiations Through Litigation, Aspen Publishers (2007 Supplement 2), Cismw3. Law. Pace. Edu- Gema Tomas, Utile per inutile Non Vitiatur: Can Favor Contractus be Considered a European Regula iuris? ERCL, 2016, 12(3), 259-286- Bertram Keller, Favor Contractus Reading the CISG in Favor of the Contract in: - Nicole Kornet, Evolving General Principles of International Commercial Contracts: The UNIDROIT Principles and Favor Contractus, Faculty of Law\ Maastricht University January 2011, available at: <http://www.ssrn.com>

³ Material or Fundamental Breach.

مگر اینکه نقض کننده چنین نتیجه ای را پیش بینی ننموده و شخص معقول هم صنف او نیز در همان اوضاع و احوال نمی توانسته آن را پیش بینی نماید». وفق این ماده دو شرط برای تحقق حق فسخ ضروری است: الف-نقض، طرف مقابل را از آنچه وفق قرارداد انتظار داشته است محروم کند. ب-این نتیجه برای ناقض قرارداد و یا شخص متعارف در موقعیت وی، پیش بینی پذیر باشد. بند ۳ م. ۱-۳-۷ اصول یونیدورا نیز رویکرد مشابهی با کمی تفاوت در بیان دارد. مطابق این بند: «اینکه عدم اجرای تعهد، طرف زیان دیده را به طور اساسی از آنچه بر طبق قرارداد مستحق بوده انتظارش را داشته باشد، محروم می کند یا خیر؛ مگر اینکه طرف دیگر نتیجه مزبور را پیش بینی نکرده یا به طور متعارف نمی توانسته است آن را پیش بینی کرده باشد». قسمت ب م. ۱۰۳: ۸ اصول اروپایی نیز متضمن حکم مشابه است. همچنین است پیش بینی امکان اعطای مهلت اضافی به طرف غیر عامل جهت اجرای آن با این تفاوت که اعطای مهلت اضافی می تواند بی آنکه نقض مورد نظر، اساسی باشد مبنایی برای فسخ شود. سیاست اسناد مورد مطالعه محدود کردن مواردی است که قرارداد به دلیل نقض اساسی فسخ شود، زیرا شرایط مورد نظر به سهولت قابل فراهم شدن نیست. محدود کردن امکان فسخ به دلیل اولویت دادن به طرق جبرانی است که به لحاظ اقتصادی کارآمد هستند. لیکن، محدود شدن فسخ به موارد خاص این دشواری را دارد که طرف زیان دیده در برداشتن هر گونه گامی در تردید و دو دلی خواهد بود، چرا که فسخ بلاوجه قرارداد می تواند آثار و نتایجی منفی برای وی در پی داشته باشد. بهترین سناریو برای زیان دیده این است که بدون توجه به نوع نقض اطمینان داشته باشد که آیا وی استحقاق فسخ قرارداد را دارد یا خیر؟ یکی از راهکارهای پیش بینی شده برای رفع تردید، دادن مهلت اضافی به طرف مقابل است.^۴ با اعطای مهلت که در لغت به Nachfrist موسوم است^۵ شخص اجرای قرارداد را طلب می کند؛ ضمانت اجرای اعطای مهلت این است که با عدم اجرای قرارداد در مهلت، زیان دیده می تواند قرارداد را فسخ کند، حتی اگر نقض اولی، اساسی نباشد. البته در صورتی که طرف غیر عامل قبل از انقضای مهلت صراحتاً موضع خود بر عدم اجرای قرارداد را اعلام نماید زیان دیده می تواند قرارداد را فسخ کند و ضرورتی به فرا رسیدن مدت انقضای مهلت نیست.

نویسندگان مختلف از اعطای مهلت به مثابه یک طریق جبران یاد کرده اند^۶، لیکن به نظر می رسد تلقی آن به عنوان طریق جبرانی درست نیست، زیرا با اعطای این مهلت هیچ شکل و صورتی از جبران به عمل نمی آید؛ صرفاً مدت قرارداد تمدید شده و توسل به طرق جبرانی مغایر ممکن نیست. بنابراین اعطای مهلت فی نفسه طریق جبرانی نیست؛ بلکه زمینه را برای توسل به طریق جبرانی دیگر (فسخ) فراهم می سازد.

پیش بینی اعطای مهلت با چند هدف انجام شده است. اولین هدف حفظ رابطه قراردادی تا حد ممکن است؛ ضروری است قرارداد آنطور که طرفین خواسته اند اجرا شود. به علاوه، اعطای مهلت در مقام حمایت از طرف متخلفی است که در معرض ضمانت اجراهای شدید ناشی از نقض قرارداد می باشد؛ اعطای مهلت به طرف غیر عامل فرصت دیگری برای اجرای تعهد می دهد. سه اینکه اعطای مهلت در مقام حمایت از طرف زیان دیده ای است که منتظر اجرای با تاخیر قرارداد است؛ مهلت اضافی مبنایی در حمایت از طرف زیان دیده در فسخ قرارداد است بی آنکه اساسی بودن یا نبودن نقض، مورد واریسی قرار گیرد.

⁴ Min Yan, Remedies under the Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the United Kingdom, s Sale of Goods Act: A Comparative Examination, Hong Kong Law Review, Volume 3: 1, Fall 2011, pp 111-139, p. 117- Ingoberg, Schwenzer, The Right to Avoid the Contract, Annals FLB-Belgrade Law Review, Year LX, 2012, No. 3, p. 213- John C. Duncan Jr, Nachfrist Was Ist? Thinking Globally and Acting Locally: Considering Time Extention Principles of the UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods in Revising the Uniform Commercial Code, BYU Law Review, Volume 2000, Issue 4, 1363-1412, p. 1382.

⁵ Anna Kazimierska, The Remedy of Avoidance under the Vienna Convention on the International Sale of Goods, 1999, Pace Review of the Convention on Contracts, 111

⁶ E. Fisher, Remedies for the Breach of Contract under the International Sales Convention, 1 Mac. Law Review, 1997, 245- Peter A. Piliounis, The Remedies of Specific Performance, Price Reduction and Additional Time (Nachfrist) under the CISG: Are these Worthwhile Changes or Additions to English Sales Law, International Law Review, Volume XII, Number 1, 2000, 1-46.

واژه Nachfrist در لغت به معنای مهلت تمدید شده می باشد که برگرفته از حقوق آلمان است^۷ که در بسیاری از اسناد تجاری بین المللی وارد شده است. مواد ۴۷ و ۶۳ کنوانسیون وین این حق را برای خریدار و فروشنده به ترتیب پیش بینی کرده است. همچنین م. ۵-۱-۷ اصول یونیدروا و م. ۱۰۶: ۸ اصول اروپا به این موضوع اختصاص یافته است^۸. با این که دکترین اعطای مهلت مشخصاً از حقوق آلمان اخذ شده است لیکن مفهوم آن در اسناد مذکور غیر از آن چیزی است که در اسناد ملی و مشخصاً حقوق آلمان مطرح است. این تفاوت جلوه ای از ضرورت تفسیر مستقل از اسناد و همچنین بین المللی بودن آن و ضرورت یکنواختی در تفسیر است که برای مثال در بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون آمده است. مطابق این بند: «در تفسیر مقررات این کنوانسیون باید به خصیصه بین المللی آن و نیز به ضرورت ایجاد هماهنگی در اجرای آن و رعایت حسن نیت در تجارت بین المللی توجه شود». بر همین اساس است که گفته می شود در تفسیر اصول اسناد بین المللی نمی توان از مفاهیم حقوق ملی استفاده کرد، ولو اینکه در عمل و نظر شباهت های قابل توجهی بین این مفاهیم موجود باشد^۹.

در مقایسه بین این دو می توان گفت آلمان رویکرد تمدید خود به خود قرارداد را اتخاذ کرده است، در حالی که اسناد مذکور مبتنی بر رویکرد اختیار هستند. در آلمان اگر خریدار درخواست مهلت کند، فروشنده مکلف است به این درخواست پاسخ دهد. در صورتی که از پاسخ دادن امتناع ورزد منتهی به اعطای خود بخود مهلت اضافی می شود^{۱۰}. در حالی که در اسناد تعیین مهلت اضافی از حقوق زیان دیده است و ایشان تکلیفی به دادن مهلت، ولو با درخواست طرف مقابل، ندارد. در حقیقت استفاده از واژه May در مواد ۶۳ و ۴۷ کنوانسیون نشان می دهد طریق پیش بینی شده جنبه الزام آور ندارد. این رویکرد اختیاری^{۱۱} در اصول اروپا و یونیدروا نیز پذیرفته شده است. در مقایسه اصول اروپایی و کنوانسیون وین باید گفت این دو سند بر مبنای مشابهی استوار هستند، ولی تفاوت هایی نیز هست. اول اینکه برخلاف کنوانسیون، اصول اروپایی به عدم تحویل یا عدم پرداخت ثمن یا عدم تسلیم مبیع قبل از آنکه وی بتواند معامله را فسخ کند محدود نمی شود. دو اینکه در کنوانسیون مقررات مجزایی در خصوص فسخ وجود دارد (م. ۴۹ و ۶۳)، در حالی که در اصول احکام فسخ در همان ماده مربوط به مهلت اضافی پیش بینی شده است. اصول یونیدروا نیز مقررات مشابهی با اصول اروپایی - با تفاوت هایی اندک - دارد.

با نگاهی به اسناد موارد زیر معلوم می شود:

۱- حتی در مواردی که زیان دیده حق فسخ قرارداد را دارد، با آمادگی وی بر قبول اجرا، دیگر وی حق تغییر نظر بدون هشدار را ندارد؛

۲- جایی که تاخیر در اجرا هست ولی تاخیر، اساسی نیست، زیان دیده می تواند قرارداد را بعد از دادن اخطار متعارف به طرف غیر عامل فسخ کند^{۱۲}؛ لیکن، وفق بند ۴ م. ۵-۱-۷ یونیدروا « بند ۳ فوق در موردی که تعهد اجرا نشده، فقط جزء کوچکی از تعهدات قراردادی طرف مسؤول عدم اجرا را تشکیل می دهد، اعمال نمی شود». بنابراین در یونیدروا لازم نیست قبل از تعیین مهلت اضافی نقض، اساسی باشد ولی لازم است نقض مهم باشد و نقض صرفاً کم اهمیت نمی تواند مبنایی برای فسخ باشد؛

^۷ بند یک م. ۳۲۳ قانون مدنی آلمان

^۸ سید حسین، صفایی، مرتضی، عادل، محمود، کاظمی و اکبر، میرزائزاد، حقوق بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی، چ اول، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴)، ص ۴۳.

Maryellen, Dipalma, Nachfrist under National Law, The CISG and The UNIDROIT and European Principles: A Comparison, International Contract Advisor, Kluwer, C. 5, S. 1, 1999, s. 28 vd.

^{۱۰} م. ۳۲۶ ق. م. آلمان

^{۱۱} Optional.

^{۱۲} Termination in Regards to Breach of Time and Documentary Obligations in CIF Contracts, University of Oslo, 2015, 31.

نقض مهم بعد از این که طرف از اجرای تعهد در مهلت اضافی امتناع کرد به نقض اساسی تبدیل شده و موجب حق فسخ می شود.^{۱۳}

۳- فسخ عمل یک طرف زیان‌دیده است، نه عمل دادگاه یا داور.^{۱۴}

خلاصه اینکه اعطای مهلت به زیان‌دیده امکان می دهد در عین حفظ حق فسخ و حق مطالبه خسارت، آن را به تاخیر اندازد. همچنین اعطای مهلت به وی امکان می دهد با قطعیت اعلام کند کی حق فسخ قرارداد را اعمال خواهد کرد؛^{۱۵} فایق آمدن بر ریسک فسخ قرارداد آنجایی که تاخیر به منزله نقض اساسی نیست؛ محفوظ ماندن سایر حقوق زیان‌دیده و حفظ روابط تجاری از امتیازات مهم اعطای مهلت تلقی می شود.^{۱۶}

۲- شرایط اعطای مهلت اضافی

سرنوشت اعطای مهلت در هر حال در دستان زیان‌دیده است و وی تکلیفی بر اعطای مهلت ندارد خصوصاً که اعطای مهلت فی نفسه عمل اختیاری است و نمی توان تمدید خود بخود قرارداد را اعطای مهلت نامید. به علاوه، طرف زیان‌دیده نیز تکلیفی به قبول مهلت ندارد، چرا که اصل بر عدم ولایت است و تحمیل امری به دیگری ولو به نفع وی، در تضاد با این اصل بوده و قابل پذیرش نیست؛ شخص آزاد است که ارفاق دیگران را رد کند و این رد فی نفسه مسئولیت‌زا نیست. بر همین است که طرف غیر عامل می تواند اعلام کند در مدت اضافی قرارداد را اجرا نخواهد کرد که خود به صورت غیر مستقیم به منزله رد مهلت است. به لحاظ ماهیت حقوقی اعطای مهلت در عین اینکه عمل ارادی است ولی در قالب اعمال حقوقی نیز جای نمی گیرد؛ عقد نیست، زیرا مستلزم توافق طرفین نیست. ایقاع هم نمی تواند باشد، زیرا با دادن مهلت چیز جدیدی خلق نمی شود؛ بلکه مدت قرارداد تمدید می شود.

در هر حال برای استفاده از این طریق لازم است شرایطی باشد:

۲-۱- وجود قرارداد معتبر و نافذ

پیش شرط دادن مهلت، وجود قرارداد معتبر و نافذ است. بنابراین دادن مهلت در فرضی که قرارداد باطل است و یا به هر دلیلی منحل شده است منتفی است.

۲-۲- تحقق نقض قراردادی

روشن است در صورتی که قرارداد به نحو صحیحی اجرا شده باشد موضوع خاتمه یافته و تصور اعطای مهلت منتفی است. بنابراین ضرورت دارد نقض قراردادی رخ دهد. ضرورت تحقق نقض قرارداد این سوال را پیش می کشد که آیا اعطای مهلت هر نوع نقض قراردادی را شامل می شود یعنی شخص می تواند برای هر نوع نقضی اعطای مهلت کند یا اینکه نقض مورد نظر می بایست از نوع خاص باشد تا ضمانت اجرای عدم ایفای تعهد در مدت اعطایی محقق شود؟^{۱۷}

¹³ R. Zimmermann, Breach of Contract and Remedies under the New German Law of Obligations, Saggi, Conferenze e Seminari 48, Roma 2002, p. 8- Natia, Chitashvili, The Concept of Fundamental Breach in Comparative Perspective and its Impact on Georgian Contract Law, Polish-Georgian Law Review, UWM, 2015, 2, 62.

¹⁴ Leung Sze, Lum, A Comparative Analysis on the Avoidance of under CISG and PICC, 2013, 1, Available at: <http://hdl.handle.net/2031/8362>.

¹⁵ Remedies Available for Breach of Contract under the UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods, Singapore Academy of Law Journal, 8 (1996), 119.

¹⁶ Remedies under the Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the United Kingdom, s Sale of Goods: A Comparative Examination, min yan university of Hongkong Law Review, V 13: 1, 2011, 111-139, 117.

¹⁷ Amir Al-Hajaj, The Concept of Fundamental Breach and Avoidance under CISG, Ph.D Thesis, Brunel University, 2015, 24- Jonathan, Yovel, The Buyer's Right to Avoid the Contract in International Sales, 2010, 8, Available at: <https://ssrn.com/abstract=906608>

در کنوانسیون وین در خصوص فروشنده مشکل به رابطه بین بند ۲ م. ۴۷ و بند ب قسمت ۱ م. ۴۹ بر می گردد. بند ۲ م. ۴۷ اعطای مهلت را در خصوص نقض هر تعهدی ممکن می داند در حالی که بند ب قسمت یک م. ۴۹ آن را به عدم تحویل کالا محدود ساخته است و این امر باعث طرح نظرات متفاوت بین نویسندگان شده است: برخی قائل به اطلاق اختیار خریدار بوده و آن را در برابر هر نوع نقضی قابل اعمال می دانند.^{۱۸} برخی دیگر علاوه بر عدم تحویل کالا، آن را برای تحویل کالای جانشین نیز قابل اعمال می دانند که با عدم انجام تعهد، حق فسخ به وجود می آید.^{۱۹} النهایه اکثر نویسندگان بر این نظر هستند که اعطای مهلت در خصوص هر نوع نقض تعهد از طرف فروشنده ممکن است، ولی عدم انجام تعهد در آن بازه فقط در خصوص عدم تحویل کالا به زیان دیده حق فسخ می دهد نه سایر نقض ها.^{۲۰} در همین راستا برخی از محققین داخلی با استناد به اینکه حق فسخ قرارداد به استناد م. ۴۹ تنها در خصوص عدم تحویل کالا مجاز دانسته شده است، تسری اعطای مهلت اضافی جهت فسخ قرارداد به مواردی جز عدم تحویل کالا را قبول نکرده اند.^{۲۱}

نکته ای که مسلم است این که در کنوانسیون اعطای مهلت به اجرای معیوب اعمال نمی شود؛ بلکه به اجرای تأخیری مرتبط است. پس مهلت اضافی در فرضی که اجرا به گونه ای معیوب است که اساسی نیست اعمال نمی شود.^{۲۲} در کنفرانس دیپلماتیک فسخ قرارداد محدود به عدم تسلیم کالا شد و مورد عدم انطباق کالا رد شد. استدلال این بود که توسعه موارد فسخ به تسلیم کالای غیر منطبق ممکن است باعث سوء استفاده مشتری شده که نقض غیر اساسی را وسیله ای برای فسخ آن قرارداد و بالتبع باعث گسترش موارد فسخ شود. لازم به ذکر است در م. ۳۰ کنوانسیون بین تعهد به تحویل کالا و تحویل و انتقال مدارک کالا تفکیک به عمل آمده است. از این رو گفته شده علی الاصول با اعطای مهلت در خصوص عدم تحویل و انتقال مدارک خریدار نمی تواند قرارداد را فسخ کند، ولی در برخی موارد چون جایی که کالا حمل می شود و یا جایی که اسناد و مدارک ابزار انتقال هستند و خریدار برای تحویل گرفتن کالا در مقصد به آنها نیاز دارد، می توان از مقررات م. ۴۷ و بند ب قسمت ۱ م. ۴۹ استفاده کرد، زیرا در چنین مواردی نیز هدف تحویل، که دادن کالا به تصرف خریدار است، تنها با انتقال اسناد انجام می شود.^{۲۳} در خصوص نقض تعهدات خریدار اکثر نویسندگان بر این نظر هستند که اعطای مهلت وفق م. ۶۳ در خصوص نقض هر نوع تعهد فروشنده ممکن است، اما در مورد نقض تعهد توسط خریدار، طبق بند ۱ م. ۶۴ حق فسخ تنها در مورد نقض تعهد پرداخت

^{۱۸} اکبر، میرزانژاد جویباری، فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰- وین) و حقوق ایران، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۹، ۱۳۸۲، ص ۲۸۵-۳۳۰.

^{۱۹} Karollus, Martin (1995), « Judicial Interpretation and Application of the Ciscg in Germany 1988-1994 », Reproduced with Permission from the Cornell Review of the Conversion on Contracts for the International Sale of Goods, pp.51-94 (Karollus, 1995, p.71.

^{۲۰} Tobias, Plate, The Buyer,s Remedy of Avoidance under the CISG: Acceptable from a Common Law Perspective? 2002, 6 Vindobona Journal of International Commercial Law and Arbitration, 56-57. Honnold, John O (1999), Uniform Law for International Sales under the 1980 International Sales Law, 2ed. Ed., Kluwer Law International, p. 313.

^{۲۱} فخرالدین اصغری آقمشهدی، حمید ابهری و حمید رضا عباسی منش، اعطای مهلت برای اجرای تعهد از جانب خریدار یا فروشنده (مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران)، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۱ تا ۱۸، ۳.

^{۲۲} Chengwei L. Remedies for Non-performance – Perspectives from CISG, UNIDROIT Principles and PECL, CISG Database, Pace Institute of International Commercial Law. 2003:p. 65.

^{۲۳} Huber, Peter & Mullis, Alastair (2007) The CISG: A New Text Book for Student and Practitioners, European Law Publishers, p. 236

ثمن و عدم قبض کالا ایجاد می شود. برخی مفسرین بیان می دارند عدم اجرای هر یک از تعهدات مرتبط با تادیه ثمن به فروشنده امکان فسخ بعد از اعطای مهلت را می دهد.^{۲۴} در مقابل، گفته شده امکان فسخ صرفاً در خصوص نقض تعهداتی ممکن است که مستقیماً با پرداخت ثمن در ارتباط است. بنابراین در خصوص نقض تعهداتی از قبیل ارائه اسناد اعتباری بانکی که رابطه مستقیم با پرداخت ثمن دارد، پس از اعطای مهلت و عدم اجرا، امکان فسخ وجود دارد.^{۲۵}

در همین راستا بند ۳ م. ۱. ۳. ۷ اصول یونیدروا مقرر می دارد: در صورت تاخیر زیان‌دیده همچنین می تواند قرارداد را فسخ کند اگر طرف مقابل از اجرای قرارداد قبل از منقضی شدن مهلت تجویز شده موضوع م. ۵-۱-۷ امتناع نماید. بند ۲ م. ۱۰۱: ۹ اصول اروپا مقرر می دارد: در صورت تاخیر زیان‌دیده می تواند قرارداد را طبق بند ۳ م. ۱۰۶: ۸ فسخ نماید.

بند ۳ م. ۵-۱-۷ اصول یونیدروا مقرر داشته است: در صورت تاخیر در اجرایی که اساسی نیست زیان‌دیده ای که مهلت اضافی با مدت معقول داده است، می تواند در پایان آن مدت قرارداد را فسخ کند. اگر مهلت اضافی داده شده معقول نباشد برای مدت معقولی مهلت داده شده تمدید می شود. زیان‌دیده می تواند در اعلامیه اش مقرر دارد اگر طرف مقابل از اجرای قرارداد در مدت تجویز شده امتناع ورزد قرارداد خود بخود منفسخ می شود. مقرر مشابیهی در م. ۱۰۶: ۸ اصول اروپایی نیز آمده است. بند ۳ م. ۱۰۶: ۸ اصول اروپایی صراحتاً بیان می دارد: اگر مدت تعیین شده خیلی کوتاه باشد، قرارداد تنها بعد از مدت متعارفی از تاریخ ابلاغیه خود بخود منفسخ می شود. با اینکه قاعده مشابیهی در اصول یونیدروا در بند ۳ م. ۵-۱-۷ نیست به نظر می رسد چنین تفاوتی بیشتر جنبه فنی دارد تا ماهوی.^{۲۶}

فسخ خود بخود قرارداد بعد از منقضی شدن مدت در کنوانسیون وین پیش بینی نشده است ولی این نتیجه از دکترین حاکمیت اراده قابل استنباط است. در صورتی که چنین فسخ اتوماتیک واری در اعلامیه صراحتاً پیش بینی شده باشد، اگر متخلف اجرا را بعد از تاریخ مقرر شده در اعلامیه انجام دهد، زیان‌دیده می تواند از قبول آن امتناع ورزد. ولی اگر زیان‌دیده بداند که متخلف هنوز در تلاش برای اجرا بعد از مدت تمدیدی است، حسن نیت ایجاب می کند به متخلف هشدار دهد که اجرا قبول نخواهد شد. اگر مقصر از زیان‌دیده بپرسد که آیا وی اجرا را بعد از تاریخ مقرر شده قبول خواهد کرد، حسن نیت ایجاب می کند که زیان‌دیده در مدت متعارفی پاسخ دهد.

اشاره شود پاراگراف اضافی که در اصول اروپا یافت نمی شود به بند ۳ م. ۵-۱-۷ یونیدروا اضافه شده است. این پاراگراف مقرر می دارد بند ۴ م. ۵-۱-۷ یونیدروا بیان می دارد: پاراگراف ۳ اعمال نمی شود آنجایی که تعهد اجرا نشده تنها بخشی کوچکی از تعهد قراردادی طرف غیر عامل است.^{۲۷} در این خصوص گفته شده است یونیدروا شامل آستانه حداقلی است که اعلامیه مهلت اضافی فسخ قرارداد را جایی که تعهد اجرا نشده کم اهمیت است تجویز نمی کند. این رویکرد بیانگر همان منطق کنوانسیون است، زیرا محدودیت فسخ در کنوانسیون برای مثال به موارد عدم تحویل می تواند به عنوان آستانه حداقلی تفسیر شود، زیرا سایر تعهدات فروشنده را می توان به عنوان تعهدات کمتر با اهمیت (یا قابل جبران پذیر تر از طریق جبران خسارت) نسبت به تعهد تحویل تلقی کرد.^{۲۸}

²⁴ Koch, 2007, p.200 ; Kritzer, 1993, p.429; Sevon, 1986, p.225 :Sevon, Leif (1986), Obligation of the Buyer Under the UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods, Oceana Publications, It Is Available on: <www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/sevon1.html>.

Koch, Robert (2007), « Seller's Right to declare Avoidance Based on Non-compliance with Nachfrist », book: An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on CISG, Edited by John Felemegas, Cambridge University Press.

²⁵ Honnold, op. cit, p.385

²⁶ Lieu, op. cit, 77.

^{۲۷} مقرر مشابیهی در اصول اروپا پیش بینی نشده است.

²⁸ Peter A. Piliounis in: The Remedies of Specific Performance, Price Reduction and Additional Time (Nachfrist) under the CISG: Are These Worthwhile Changes or Additions to English Sales Law, 1999,

ماده ۵۰۳: ۳ مقررات جامع مشترک ارجاع^{۲۹} با عنوان فسخ قرارداد بعد از اعلان تعیین مهلت اضافی جهت اجرا مقرر می دارد: «۱- متعهد له می تواند قرارداد را در صورت تاخیر در اجرای تعهد قراردادی فسخ نماید که فی نفسه اساسی نیست اگر وی اعلانی داده و مهلتی با مدت معقول جهت اجرای به متعهد بدهد و ایشان در مدت زمان اعطایی قرارداد را اجرا نکند؛ ۲- در صورتی که مدت اعطایی به نحو غیر معقولی کوتاه باشد، متعهد له می تواند قرارداد را تنها بعد از مدت معقولی بعد از مهلت اعطایی اخطاریه فسخ نماید».

۳- دادن اخطار

اعطای مهلت می بایست از طریق دادن اخطار انجام گیرد. کنوانسیون در خصوص شکل اخطار ساکت است ولی تفسیر موسع از م. ۱۱ کنوانسیون منتهی به این نتیجه می شود که اخطار می تواند مکتوب و یا با هر ابزار دیگری باشد.^{۳۰} در مقابل، در برخی کشورها من جمله قانون تجارت ویتنام ۲۰۰۵ ماده ۲۷.۲ گفته شده اخطار می تواند مکتوب و یا از طریق دیگر ابزارهای دارای اعتبار برابر باشد. بنابراین تلگراف، تلکس، فاکس، داده پیام (ایمیل الکترونیکی، وایبر، زالو و ...) نیز مکتوب تلقی می شود. این ماده بیان داشته خرید و فروش بین المللی می تواند بر اساس مکتوب و یا دیگر ابزارهای دارای اعتبار برابر انجام شود.^{۳۱} در یونیدروا تفسیر رسمی ماده (۱) ۹.۱ به صراحت بیان می دارد اخطار یا هر نوع دیگر ابزار اراده (اعلامیه ها، درخواست ها، نیازها، ...) که طبق مواد خاص اصول ضروری تلقی شده مشمول هیچ شرط و قید خاصی راجع به فرم نیست، بلکه اعلام می تواند به وسیله هر ابزاری که متناسب با اوضاع و احوال است داده شود. این که کدام ابزار متناسب است به اوضاع و احوال واقعی مورد، خصوصاً به در دسترس بودن و اطمینان پذیری اشکال مختلف ارتباطی بستگی خواهد داشت و اهمیت و فوریت پیامی که می بایست ارسال شود.

توضیحات رسمی راجع به بند ۱ م. ۳۰۳: ۱ اصول اروپا نیز بیان می دارد اخطار می تواند در هر شکلی به عمل آید: برای مثال شفاهاً، مکتوب، با تلکس، فاکس یا با پیام الکترونیکی مشروط بر این که شکل اعلان بکار رفته متناسب با اوضاع و احوال مورد باشد. برای یک طرف همراستا با حسن نیت و رفتار منصفانه (م. ۲۰۱: ۱) نیست که برای مثال به اظهارات کاملاً اتفاقی به عمل آمده به طرف دیگر اتکا کند. برای اعلانات دارای اهمیت عمده فرم مکتوب ممکن است مناسب باشد. نتیجه اینکه اعلان می تواند در هر فرمی به عمل آید. ولی با لحاظ مختصات اعطای مهلت این اعلان نمی تواند از طریق رفتار طرف دیگر به عمل آید یعنی رفتار دال بر قصد. یکی از موضوعات مهم مرتبط با اخطار این است که ریسک انتقال بر عهده کدام طرف خواهد بود. در این خصوص ماده ۲۷ کنوانسیون وین علی الاصول قاعده ارسال را پذیرفته است. این ماده صراحتاً مقرر می دارد: بنابراین ریسک انتقال اخطار اعطای مهلت بر عهده طرف غیر عامل قرارداد است. لیکن، به نظر نمی رسد که اخطار مهلت اضافی از همان زمان ارسال موثر شود، چرا که تنها در صورتی که اعلان به طرف غیر عامل برسد موثر خواهد بود. در مقابل، هم اصول یونیدورا و هم اصول اروپایی اصل وصول را به عنوان قاعده کلی می پذیرند. (بند ۲ م. ۱۰.۱ یونیدورا و بند ۲ م. ۳۰۳: ۱ اصول اروپا)

طبق قاعده وصول ریسک خطاهای انتقال بر عهده فرستنده گذاشته می شود. ولی، بسیاری از مواردی که یک طرف به دیگری اخطار می دهد وضعیت هایی است که طرف مخاطب اخطار، مقصر است. در این موارد مناسب است که خطر گم شدن، اشتباه یا تاخیر در انتقال پیام را بر عهده طرف مقصر بگذاریم نه زیان دیده. در اصول اروپا م. ۳۰۳: ۱ قاعده وصول را به عنوان قاعده کلی

²⁹ DCFR.

³⁰ afMette Bygum, Extention and Limitation of the Buyer,s Right to Avoid the Contract under the CISG, RETTID 2010, P. 13, Available at:

³¹ Nguyen Tien Hoang, Nguyen Nguyen Cat Anh, Tran Nguyen Thien Ly, Extention for Contract Performance under the CISG 1980 and Implications for Vietnamese Businesses, Science & Technology Development Journal – Economics - Law and Management, 6(2): 2022, 2689-2700, p. 2692.

می پذیرد، در عین حال اصول اروپا دو محدودیت بر آن مقرر کرده است. یکی از آنها در بند ۴ م. ۳۰۳: ۱ آمده است: اگر یک طرف به طرف دیگر خطاری را به دلیل عدم اجرای وی بدهد یا به این دلیل که چنین عدم اجرایی به طریق متعارف توسط طرف اول پیش بینی می شود و اعلان هم به طور صحیح ارسال شده یا داده شده، تاخیر یا خطا در انتقال اعلان یا نرسیدن آن به مقصد آن را از اثر داشتن منع نمی کند؛ اعلان از لحظه ای که در شرایط عادی وصول می شد حائز اثر خواهد بود.

خلاصه اینکه از یک طرف اصل موسوم به دریافت به نحو مناسبی به اعلان مهلت اضافی قابل اعمال است، چون آنچه تعیین کننده است این است که اعلان به مخاطب برسد تا طرف غیرعامل از موقعیت اش آگاه شود. از طرف دیگر، این که ریسک گم شدن، اشتباه یا تاخیر در انتقال پیام می بایست بر عهده طرف متخلف باشد نه زیاننده، با اعلان مهلت اضافی متناسب است. (بند ۴ م. ۳۰۳: ۱) ایده پشت اصل و استثنائات آن این است که ریسک در انتقال پیام باید بر عهده طرفی باشد که انحراف وی از اجرای عادی قرارداد باعث شده اعلانی ارسال شود.^{۳۲} لازم به ذکر است اسناد مورد مطالعه در خصوص محتوی اخطار مقرر شده ای پیش بینی نکرده اند. لیکن دکتترین بر این نظر است که محتوی اخطار می بایست دارای دو جز باشد: درخواست اجرای تعهد توسط طرف زیاننده و تعیین مهلت. بنابراین اگر اخطار متضمن درخواست اجرای تعهد قراردادی باشد بی آنکه مهلتی تعیین شده باشد، این اعلان، اخطار تعیین مهلت تلقی نشده و صرفاً به منزله اخطار اجرای عین تعهد خواهد بود (ر. ک: م. ۴۶ کنوانسیون وین).

۴- تعیین مهلت و درخواست اجرا

همچنانکه اشاره شد اخطار مهلت اضافی برای موثر بودن می بایست مشخص سازد مهلت اعطایی محدودیت قطعی و نهایی بر تاریخ تحویل می باشد. بنابراین اگر درخواست اجرا فاقد تاریخ معین یا سررسید جهت اجرای قرارداد باشد، موثر نیست. بنابراین یادآوری مطالبه تحویل فوری به عنوان اخطار مهلت اضافی کافی نیست. به علاوه، بسیاری بر این نظر هستند که در کنار تعیین مدت اضافی، لازم است اخطار شامل درخواست اجرای عین تعهد هم باشد. البته برخی با این دیدگاه که مهلت اضافی در صورتی تعیین شده محسوب می شود که متعاقب درخواست اجرای عین تعهد باشد مخالفت کرده اند؛ خریدار صرفاً و تنها لازم است موعد معینی را تعیین کند. این دیدگاه در برخی آراء نیز تأیید شده با این قید که وقتی خریدار اجرای با تاخیر فروشنده را تحمل می کند یا آن را قبول می کند، بدون اینکه چیز دیگری انجام دهد، این امر برای تعیین مهلت اضافی موضوع بند ۱ م. ۴۷ کفایت می کند.

۵- متعارف و معقول بودن مهلت

زیاننده می بایست مهلت متعارفی به طرف مقابل جهت انجام تعهد خود بدهد با این قید که معقولیت مهلت صرفاً در خصوص موارد نقض غیر اساسی معنا دارد و در تاخیرات اساسی مهلت لازم نیست معقول و متعارف باشد، چرا که در این موارد خریدار حق فسخ قرارداد به صورت فوری را دارد. اینکه مهلت تعیین شده متعارف است یا خیر، بستگی به اوضاع و احوال خاص هر مورد دارد. معقولیت مهلت تمددی به عوامل متعددی چون نوسانات قیمت کالا در بازار، پیچیدگی تشریفات، راه های تعیین مهلت متعارف توسط طرف زیاننده یا مقصر، توافق طرفین در خصوص مهلت، رویه های تجاری طرفین، طول مدتی که در قرارداد برای اجرای آن مقرر شده، و ... وابسته است. به علاوه، اصل حسن نیت تعیین کننده و راهنما هست. برای مثال در موردی اخطار تمديد مهلت قید کرده بود که طرف مقصر می بایست تعهد را ظرف ۱۱ روز انجام دهد. دادگاه ۷ هفته را از پایان مدت تمديد تا فسخ قرارداد به عنوان مهلت متعارف تلقی کرد و مقرر داشت این مهلت به قدر کافی طولانی است که طرف ناقض تعهد

³² Lieu, op. cit, 68.

خوبش را ایفاء کند. گفته شد این نوع تعیین مهلت به منظور حمایت از زیان‌دیده در قبال اعلامات غیر همکاری گرایانه طرف ناقض در طول مدت اجرای قرارداد می باشد.^{۳۳} در ارزیابی معقولیت مهلت اعطایی برخی اهمیت اصلی را به نیاز زیان‌دیده به تحویل بدون تاخیر بیشتر کالا در صورت آگاهی طرف مقابل از این منافع داده اند، برای اینکه اعطای مهلت بتواند به هدف خود نائل شود می بایست به تشخیص زیان‌دیده در دادن مهلت اضافی احترام قائل شد. برخی دیگر بیان می دارند این عامل تنها یکی از عوامل از بین چندین فاکتوری است که می بایست در ارزیابی مدنظر قرار گیرد: طول مدت تحویل قراردادی، قلمرو و ماهیت تعهد طرف مقابل، واقعه ای که باعث تاخیر شده، مدت ارسال اعلامیه تعیین مهلت اضافی یا خود اوضاع و احوال و شرایط تحویل، نوع کالایی که باید تحویل داده شود؛ یعنی مدت زمانی طولانی تر برای تحویل ماشین آلات پیچیده و ماشین آلات ساخت خود فروشنده، نسبت به تحویل ماشین آلات مثلی که از یک عمده فروشی می توان تهیه کرد، نوع مانع یا موانع تحویل کالا؛ برای مثال اگر فروشنده به دلیل آتش سوزی یا اعتصاب کارگران تاخیر داشته باشد، خریدار می تواند مدت زمان بیشتری منتظر بماند، به خصوص جایی که تحویل کالا اضطراری و ضروری نیست.^{۳۴} ولی در هر حال معقولیت مدت می بایست در پرتو سیاست بنیادی مبنی بر اینکه قرارداد نباید بر مبنای دلایل کم اهمیت فسخ شود مورد ارزیابی قرار گیرد.

ممکن است زیان‌دیده مدتی را تعیین کند که بیش از حد کوتاه است. تعیین مدت کوتاه این سوال را مطرح کرده است که مدت تعیین شده معتبر است یا خیر؟ رویکرد غالب در بین حقوقدانان و آراء دادگاه ها و داوری این است که مدت تعیین شده به کل بی اعتبار نیست؛ بلکه، این مدت آغازگر شروع مهلت متعارف است بنابراین شخص نمی تواند فوراً بعد از انقضای مهلت کوتاه قرارداد را فسخ نماید. ولی اگر طرف قرارداد منتظر بماند تا قرارداد را بعد از انقضای مهلت متعارف که آغاز آن از زمان مهلت تعیین شده است فسخ کند این فسخ معتبر می باشد. برخی دیگر از مفسرین کنوانسیون گفته اند اگر مهلت تعیینی بیش از حد کوتاه یا طولانی باشد، اخطار تعیین مهلت بی اعتبار می شود. لذا بعد از منقضی شدن مهلت متعارف نیز متعهدله حق فسخ ندارد.^{۳۵} این دیدگاه از حیث برخورد با حسن نیت در تجارت بین الملل مورد انتقاد واقع شده است.^{۳۶} بنابراین اگر متعهدله شتاب زده و با عجله قرارداد را فسخ نکند و صبر کند که مهلت معقولی بگذرد، می تواند قرارداد را فسخ کند. در این موارد مهلت کوتاه، شروع کننده مهلت متعارف تلقی می شود.^{۳۷} در تایید رویکرد غالب می توان گفت عدم پذیرش آن در هماهنگی با سیاست حفظ اعتبار قرارداد و تقویت حسن نیت در تجارت بین المللی نبوده و منتهی به هزینه های اضافی برای طرف مقابل می شود. بر خلاف کنوانسیون، بند ۳ م. ۱۰۶: ۸ اصول اروپایی صراحتاً بیان می دارد: اگر مدت تعیین شده خیلی کوتاه باشد، قرارداد تنها بعد از مدت متعارفی از تاریخ اخطار خود بخود منفسخ می شود. با اینکه قاعده مشابهی در اصول یونیدروا در بند ۳ م. ۵-۱-۷ نیست به نظر می رسد چنین تفاوتی بیشتر جنبه فنی دارد تا ماهوی.^{۳۸}

بدیهی است اعطا کننده مهلت محدودیتی در اعطای متعدد مهلت ندارد و می تواند مهلت دوم، سوم و ... به طرف مقابل بدهد؛ طرف مقابل با اینکه لازم است مهلت را به مثابه مهلت نهایی تلقی کند، ولی اعطا کننده مهلت محدودیتی در تعداد دفعات اعطای مهلت ندارد.^{۳۹} لیکن آزادی شخص در تعیین مهلت برای دفعات مختلف با یک استثنا مواجه است: فرضی که اعطای مهلت با اعلام فسخ قرارداد همراه شده است. در این صورت با منقضی شدن مهلت، قرارداد منحل می شود.

³³ Nguyen Tien Hoang, Nguyen Nguyen Cat Anh, Tran Nguyen Thien Ly, op. cit, 2696.

³⁴ Schlechtriem, 1998, p. 396.

³⁵ Viscasillas, 2005, p.99. Perals viscasillas, Pilar »The Nachfrist Remedy« , Reproduced with Permission of the SIAC, It Is Available on: www.cisg.law.pace.edu/article47.

³⁶ Koch, 2007, p.183

³⁷ Schlechtriem, 1998, p.398; Uncitral Digest, 2012, p.231s\

³⁸ Lieu, 77

^{۳۹} مهرباب، داراب پور، تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، جلد دوم، چاپ اول، (تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴)، ص ۱۸۳.

۳- آثار استفاده از اخطار تعیین مهلت

استفاده از اعطای مهلت به طور کلی واجد دو نوع اثر است:

اولاً، در طول مدت تعیین شده طرق جبرانی محدودی در دسترس است (مطالبه خسارت ناشی از تاخیر) و متعهد فرصت دیگری برای اجرای قرارداد بدست می آورد. ثانیاً اگر طرف مقابل از مهلت استفاده نکند زیان دیده می تواند با انقضای مهلت قرارداد را فسخ کند؛ اثر اصلی اعطای مهلت این است که زیان دیده در طول مهلت در عین حال که حقوقش را حفظ می کند می بایست به قرارداد بچسبد. اعلان مهلت در طرف غیرعامل این اعتماد را ایجاد می کند که می توان به مهلت اتکا کرد؛ وی ممکن است خود را برای اجرای قرارداد در بازه اعطایی آماده سازد و این آماده سازی ممکن است به هزینه قابل توجهی انجام شده باشد. از این رو به منظور حمایت از وی در این بازه، زیان دیده نمی تواند به طرق جبرانی ناشی از نقض قرارداد همچون فسخ، الزام به اجرای عین تعهد و ... توسل یابد مگر اینکه وی اعلام دارد به اخطار پایبند نخواهد بود. در خصوص اثر اعطای مهلت در اسناد مورد مطالعه عبارت بندی متفاوتی به کار رفته است:

در جمله اول بند ۲ م. ۵-۷ یونیدورا آمده است: در طول مهلت اضافی زیان دیده می تواند از اجرای تعهدات متقابل خود امتناع ورزد و مطالبه خسارت کند ولی نمی تواند به طرق جبرانی دیگر متوسل شود. متن مشابهی در جمله اول بند ۲ م. ۱۰۶: ۸ اصول اروپایی پیش بینی شده است. مطابق هر سه سند حق مطالبه خسارات ناشی از تاخیر در اجرای تعهد حتی اگر طرف مقابل در طول مهلت اضافی اجرای تعهد کرده باشد تحت تاثیر قرار نمی گیرد. ولی حوزه ای از ابهام که در کنوانسیون هست و توسط اصول اروپایی و یونیدورا برطرف شده این است که زیان دیده در بازه اضافی می تواند از اجرای تعهدات متقابل خود امتناع ورزد. اثر منفی تعیین مهلت برای تعیین کننده این است که وی در مهلت اعطایی نمی تواند قرارداد را فسخ کند، حتی اگر نقض، اساسی باشد؛ وی باید منتظر منقضی شدن مهلت بماند. وی نمی تواند هم اجرای قرارداد را طلب کند و هم قرارداد را فسخ کند. این نتیجه از اصول کلی نظیر استاپل یا اعراض ناشی می شود. به علاوه، در بازه مهلت اعطایی زیان دیده نمی تواند الزام به اجباری عین تعهد را درخواست کند. دلیل این عدم امکان این است که حق الزام به اجرای عین تعهد و حق تعیین مهلت اضافی جهت اجرا اساساً گونه هایی از حق تحصیل اجرای قرارداد هستند که مابین این دو زیان دیده می تواند از آغاز دست به انتخاب بزند.

در صورتی که طرف مقابل اعلام کند وی در مدت اعطایی قرارداد را اجرا نخواهد کرد زیان دیده لازم نیست منتظر منقضی شدن مهلت بماند زیرا چنین اعلام اراده ای از سوی طرف مقابل به معنای پایان پیش از موعد ابهام موجود است. (م. ۴۷ و ۶۳ بند ۲ کنوانسیون، جمله دوم بند ۲ م. ۵. ۱. ۷ یونیدورا و جمله دوم بند ۲ م. ۱۰۶: ۸ اصول اروپایی) از آنجایی که اعلام رد می بایست اشاره به این کند که اجرای قرارداد حتی در طول مدت اضافی نخواهد بود این اعلان تنها می تواند بعد از تعیین مهلت اضافی و بعد از اینکه طرف غیر عامل اطلاعات مربوطه را دریافت کرده، داده شود.

یکی از سوالاتی که در کنوانسیون مطرح شده این است که اعطای مهلت چه تاثیری بر حق فسخ موجود می گذارد؟ آیا لازم است تا پایان مهلت منتظر ماند و بعد فسخ کرد؟ تقریباً همه نویسندگان حقوقی بر این نظر هستند که در طول مهلت خریدار حق توسل به فسخ ناشی از نقض اساسی را ندارد. مقصود حمایت از طرفی است که به اخطار تعیین مهلت اتکا کرده است و این منعکس کننده اصل حسن نیت در تجارت بین المللی است که شخص نمی تواند اجرایی را که شروع کرده است رد نماید. بنابراین مهلت تعیین شده بر هر چیزی اولویت دارد. در مقابل، این رویکرد مطرح شده است که: تعیین مهلت اضافی یک راه اضافی و مستقل جهت فسخ قرارداد است و بر حق طرف جهت استناد به نقض اساسی به منظور فسخ قرارداد وفق بند الف قسمت ۱ م. ۴۹ تاثیر نمی گذارد. در نتیجه، این حق در مواردی که در آن یک طرف مهلت اضافی تعیین کرده است مستثنی نیست؛ در حقیقت، مهلت دادن ماهیتاً مکمل است نه استثنا کننده! نظریه اول با مختصات و اهداف اعطای مهلت سازگار است، چرا که اعطای مهلت و

سپس فسخ قرارداد، نقض غرض است؛ نمی توان از یک سو در دیگری انگیزه اجرای قرارداد را ایجاد کرد و از سوی دیگر، با توسل به حق فسخ، رابطه را به هم زد. این نتیجه بر مبنای اصول متعددی چون حسن نیت، ممنوعیت رفتار متناقض، اعراض و ... قابل دفاع است. بدیهی است در صورتی که در طول مدت اضافی طرف مقابل مرتکب نقض دیگری شود که دارای ماهیت اساسی باشد وی مجبور نیست منتظر پایان مهلت بنشید تا بتواند به دلیل نقض دوم قرارداد را فسخ کند.

۴- حقوق ایران

با این که در حقوق ایران اعطای مهلت اضافی به صراحت شناسایی نشده است، بر مبنای حاکمیت شخص بر امورات خود می توان به پذیرش اعطای مهلت نظر داد (قاعده تسلیط) خصوصاً که ضمانت اجرای اولیه در حقوق ایران الزام به اجرای اصل تعهد است.^{۴۰} بنابراین از آنجایی که اعطای مهلت گامی در راستای اجرای تعهد است برخوردی با ساختار حقوق ایران ندارد. به علاوه، حکم م. ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ ق. م. در اجبار متعهد به اجرای تعهد امری نیست لذا می توان اعطای مهلت کرد؛ با لحاظ اصل حاکمیت اراده، اصل بر تکمیلی بودن مقررات است تا خلاف آن اثبات شود. در این فرض موضوعی که مطرح می شود در خصوص ضمانت اجرای اعطای مهلت است بدین صورت که بعد از منقضی شدن مهلت و عدم اجرای تعهد، متعهدله می بایست الزام متعهد به اجرای قرارداد را طلب کند یا اینکه می تواند قرارداد را فسخ نماید بی آنکه تکلیفی به الزام مخاطب به اجرای تعهد را داشته باشد؟ در این خصوص دو رویکرد مطرح شده است:

۱- اثر اعطای مهلت این است که ابتدا باید شخص اجرای عین تعهد را بخواهد و در صورت ممکن نبودن، وی حق فسخ را خواهد داشت زیرا اعطای مهلت اثری بر حق فسخ و شرط فاسخ مذکور در آن ندارد، مگر اینکه بپذیریم که نفس اعطای مهلت به منزله درخواست اجرای عین تعهد است و با انقضای آن معلوم می شود که اجرای عین قرارداد ممکن نیست و لذا، مشتری حق فسخ خواهد داشت.

۲- اثر اعطای مهلت در صورتی که متعهد آن را قبول می کند یا متضمن شرط فاسخ است، با عدم اجرای تعهد در مهلت، متعهد له حق فسخ دارد و در شرط فاسخ، قرارداد منفسخ می شود. بدیهی است در صورتی که متعهد اعطای مهلت را قبول نکند یا در قبال آن سکوت کند اگر با اعطای مهلت، حق فسخ ساقط شده باشد، عدم اجرای تعهد در مدت تعیینی، موجب حق فسخ نخواهد بود، چرا که ایجاد حق فسخ با اعطای مهلت مستلزم توافق طرفین بر آن است.^{۴۱}

رویکرد دوم به لحاظ حقوقی از مقبولیت بیشتری برخوردار است. اعطای مهلت گامی است در راستای اجرای عین تعهد، توگویی متعهدله اجرای تعهد را البته با ارفاق بیشتر و اعطای مهلت از متعهد درخواست می کند. بر همین اساس است که در اسناد مورد مطالعه متعهد له نمی تواند در بازه مهلت اعطایی معامله را فسخ کند، حتی اگر حق فسخ قبلی را داشته باشد، چرا که گام نهادن در راه اجرای قرارداد با اعطای مهلت و برهم زدن رابطه بر مبنای فسخ قابل جمع نیست و در واقع عملی است متعارض که بر مبنای قاعده ممنوعیت رفتار متناقض ممنوع است. بنابراین با اعطای مهلت متعهدله اراده خود بر اجرای عین تعهد را به صورت ضمنی اعلام کرده و با قبول آن توسط متعهد، روشن است که وی می بایست در اجرای تعهد عمل نماید؛ اگر مهلت اعطایی منقضی شود و متعهد نتواند و یا نخواهد قرارداد را اجرا کند ملزم کردن متعهد له به الزام متعهد به اجرای تعهد تحصیل حاصل است، چرا که قبلاً چنین الزامی ولو با دادن مهلت انجام شده است. به علاوه، وا داشتن متعهدله به پیگیری اجرایی که قبلاً

^{۴۰} لازم به ذکر است برخی محققین بر این نظر هستند که امکان فسخ ضمانت اجرای اولیه در حقوق ایران است. ر. ک: امیر، صادقی نشاط، حق فسخ قرارداد با وجود امکان الزام به اجرا در حقوق ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷-۳۱۴.

^{۴۱} آقمشهدی، پیشین، ۱۴.

خواستہ شدہ و الان منتہی بہ نتیجہ نشدہ است بہ نوعی طولانی کردن رابطہ بی حاصل و تحمیل ہزینہ بہ متعہد لہ است کہ از منظر مدیریت ہزینہ روابط حقوقی و دادرسی نیز مقبول نیست.

در مواردی کہ ضمانت اجرای اولیہ امکان فسخ قرارداد است (م. ۲۳۵، ۲۴۳ و ۳۷۹ ق. م.) بر خلاف اسناد مورد مطالعہ کہ اعطای مہلت تاثیری بر حقوق مکتسبہ زیاندیدہ من جملہ حق فسخ نمی گذارد، اعطای مہلت در ایران با سہ مانع مواجہ است: اولاً، با اینکہ فسخ ایقاع است و نیازی بہ مداخلہ قضایی ندارد، ولی در صورت حدوث اختلاف مداخلہ دادگاہ در احراز شرایط و تأیید آن ضرورت دارد کہ خود باعث طولانی شدن فرایند روابط طرفین می شود. رای دادگاہ در خصوص تأیید فسخ جنبہ اعلامی دارد. ثانیاً، اعطای مہلت در برخی از موارد من جملہ خیار مجلس، حیوان و شرط موضوعیت ندارد، چرا کہ این نوع خیابارہ ظرف مدت معینی قابل اعمال است و با گذشت آن مہلت خود بہ خود از بین می رود. همچنین گفته شدہ است اعطای مہلت در شرط صفت اگر صفت از اوصافی است کہ مشروط علیہ می تواند ایجاد کند مانند اینکہ گندم موجود در خارج یوجاری شدہ باشد، ولی معلوم شود یوجاری نشدہ است، مشروط لہ حق فسخ دارد. در این مورد با اعطای مہلت مشروط علیہ می تواند گندم را پاک کند. ولی در فرضی کہ وصف از اوصاف قابل ایجاد نباشد اعطای مہلت منطقی نیست مثل اینکہ شرط شدہ لباس موضوع معاملہ محصول کشور ایتالیا باشد ولی نباشد یا روغن موجود در خارج بہ شرط آنکہ کرمانشاهانی باشد خریداری شود ولی بعداً معلوم شود روغن عراقی است.^{۴۲} وضعیت مشابه در شرط نتیجہ نیز متصور است؛ موضوع شرط یا موجود است یا غیر موجود؛ در فرض اول، ہمہ چیز بر وفق مراد، در فرض دوم، ہمہ چیز، غیر ممکن. لذا اعطای مہلت در چنین مواردی ممکن نیست.

ثالثاً، با لحاظ فوریت حق فسخ، حق فسخ متعہدلہ در مواردی کہ وی خواستار اجرای قرارداد است ساقط می شود.^{۴۳} برای مثال گفته شدہ است در بیع نقد ہرگاہ فروشنده پس از انقضای سہ روز، مہلت اضافی بہ خریدار اعطاء کند، دیگر نمی تواند بہ استناد م. ۴۰۲ ق. م. بیع را فسخ کند. در ہمین راستا رای شماره ۴۷۳-۲۹/۰۷/۷۱ شعبہ ۳ دیوان عالی کشور کہ در تأیید رای دادگاہ تالی صادر شدہ است مقرر می دارد: موضوع معاملہ در تاریخ ۲۰/۰۷/۷۰ انجام یافتہ و از قرار معلوم چند روز پس از معاملہ خواہان بہ غبن خود بہ فرض صحت پی برده ولی بہ جای فسخ و استفادہ از حق خیار تقاضای مابہ التفاوت معاملہ را کردہ است زیرا در تاریخ ۱۲/۰۸/۱۳۷۰ مبادرت بہ تقدیم دادخواست بہ خواستہ وصول مابہ التفاوت نمودہ و در تاریخ ۱۳/۰۲/۱۳۷۱ خواستہ را برای اولین بار تغییر دادہ است. لذا فوریت مندرج در خیار غبن مذکور در م. ۴۲۰ قانون مدنی تحقق نیافتہ است.^{۴۴} در حقوق ایران امتیاز مشابه بند ۱ م. ۶۴ کنوانسیون وین در خصوص امکان فسخ بعد از انقضای مہلت اضافی وجود ندارد.^{۴۵} م. ۴۰۳ ق. م. در باب خیار تاخیر ثمن در این خصوص قابل توجہ است. این مادہ مقرر می دارد: «اگر بایع بنحوی از انحاء مطالبہ ثمن نماید و بہ قرائن معلوم گردد کہ مقصود التزام بیع بودہ است خیار او ساقط خواہد شد». در تفسیر مادہ گفته شدہ است اگر بایع از طریق اظہارنامہ و ... بہ خریدار اعلام کند اگر ظرف بیست روز ثمن را پرداخت نکنید بیع را فسخ خواہم کرد، قرینہ ای بر التزام بہ بیع بودہ و نمی تواند پس از آن از خیار مذکور استفادہ کند.^{۴۶} در مقابل، عدہ ای دیگر مطالبہ ثمن را قرینہ التزام بہ بیع نمی دانند، زیرا خیار پس از ایجاد، ساقط نمی شود، مگر بہ امر قانونی و یا بہ ارادہ صاحب حق. بدیہی است اگر اثبات شود قصد

^{۴۲} سید علی، حائری شاہ باغ، شرح قانون مدنی، جلد اول، چاپ سوم، (تہران، گنج دانش، ۱۳۸۷)، ص ۲۱۷.

^{۴۳} آقمشہدی، پیشین.

^{۴۴} سید محمد رضا، حسینی، قانون مدنی در رویہ قضایی، چاپ ششم، (تہران، انتشارات مجد، ۱۳۹۳)، ص ۱۴۷.

^{۴۵} ابراہیم، شعاریان و فرشاد، رحیمی، حقوق بیع بین المللی، چاپ دوم، (تہران، شہر دانش، ۱۳۹۵)، ص ۷۳۳.

^{۴۶} پرویز، نوین و عباس، خواجہ پیری، حقوق مدنی (عقود معین ۱)، چاپ دوم، (تہران، کتابخانہ گنج دانش، ۱۳۸۲)، ص ۱۲۲.

شخص از مطالبه التزام به بیع است، از خیار صرف نظر نموده و پس از آن اختیار فسخ ندارد.^{۴۷} در مقام ارزیابی این دو نظر لازم است به کارکرد اعطای مهلت اضافی که همان حفظ قرارداد و امتنان در حق طرف مقابل بر انجام تعهد قراردادی است توجه کرد. صرف اعطای مهلت بر اجرای قرارداد فی نفسه دلالتی بر اراده وی بر اسقاط حق فسخ ندارد؛ حقی که یقیناً ایجاد شده سقوطش هم می‌بایست یقینی باشد. بنابراین با استناد به قرائن و ... نمی‌توان به سقوط حق فسخ نظر داد خصوصاً که پذیرش چنین دیدگاهی باعث خواهد شد صاحب حق فسخ از اعطای مهلت اضافی برای اجرای قرارداد و به تبع حفظ قرارداد صرف نظر کند و قرارداد را برای اجتناب از هر گونه اختلاف نظر فسخ کند. بنابراین از برای جمع منافع هر دو طرف می‌بایست پذیرفت که صرف اعطای مهلت دلالتی بر سقوط فسخ ندارد مگر این که دلایل قطعی بر این سقوط موجود باشد خصوصاً که در مقام تردید در بقا یا عدم بقای حق می‌بایست به اصول عملیه تکیه کرد که در این جا اصل استصحاب^{۴۸} دلالت بر ابقاء ماکان دارد.

نتیجه

اصل حفظ قرارداد از اصول پایه ای اسناد مهم بین المللی است که در حوزه قراردادهای تجاری تنظیم شده اند. یکی از ابزارهای مهم در رعایت این اصل تجویز امکان اعطای مهلت اضافی به طرف غیر عامل است که در هر سه سند مورد مطالعه با اندکی تفاوت شناسایی شده است. با اعطای مهلت طرف غیر عامل فرصت جدیدی برای اجرای قرارداد پیدا می‌کند، بی‌آنکه تکلیفی به قبول مهلت داشته باشد. در نتیجه اعطای مهلت زیان‌دیده نمی‌تواند به حقوقی توسل جوید که در تعارض با اعطای مهلت است؛ حقوقی چون فسخ، اجرای عین تعهد و ... لیکن می‌تواند خسارات ناشی از تاخیر در اجرای تعهد را مطالبه کند. همچنین بعد از منقضی شدن مهلت و عدم اجرای تعهد، شخص می‌تواند قرارداد را فسخ کند بی‌آنکه لازم باشد نقض صورت گرفته، نقض اساسی باشد. در حقوق ایران اگر چه مهلت قضایی و قانونی پیش بینی شده، ولی نهاد اعطای مهلت پیش بینی نشده، لیکن با لحاظ حاکمیت شخص بر امورات خود و اینکه اعطای مهلت در راستای اجرای عقد است و تعارضی با مقررات آمره ندارد لذا برخوردی با سیستم حقوقی ایران ندارد. لیکن آثار اعطای مهلت بدان صورت که در اسناد مورد مطالعه وجود دارد مشخصاً بقای حق فسخ، در سیستم حقوقی ایران با موانعی چون فوری بودن خیار برخورد دارد، اگر چه صرف اعطای مهلت بدون این که قریب به ای بر التزام شخص به قرارداد باشد دلالتی بر اسقاط حق فسخ ندارد. بدیهی است در صورتی که اعطای مهلت منوط به حفظ حق فسخ شود و آن مورد قبول طرف قرار گیرد تردیدی در بقای حق نخواهد بود. همچنین است مطالبه خسارات ناشی از تاخیر که در ایران اعطای مهلت به منزله صرف نظر کردن از آن تلقی شده است، لیکن به نظر می‌رسد صرف دادن مهلت نمی‌تواند به منزله صرف نظر کردن از خسارات ناشی از تاخیر تلقی شود و نباید شخصی را که در مقام ارفاق و کمک به اجرای قرارداد است با محروم کردن از حقوق مکتسبه خود مجازات مدنی کرد.

^{۴۷} سیدحسن، امامی، حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ سی و دوم، (تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰)، ص ۵۶۰.

^{۴۸} ناصر، کاتوزیان، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد پنجم، چاپ دوم، (تهران، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، ۱۳۷۶)، ص ۷۷.

منابع الف- فارسی

- سید حسین، صفایی، مرتضی، عادل، محمود، کاظمی و اکبر، میرزائزاد، حقوق بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی، چ اول، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴).
- اکبر، میرزائزاد جویباری، فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰-وین) و حقوق ایران، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۹، ۱۳۸۲، ص ۲۸۵ - ۳۳۰.
- فخرالدین اصغری آقمشهدی، حمید ابهری و حمید رضا عباسی منش، اعطای مهلت برای اجرای تعهد از جانب خریدار یا فروشنده (مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران)، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۱ تا ۱۸.
- مهرباب، داراب پور، تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، جلد دوم، چاپ اول، (تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴).
- امیر، صادقی نشاط، حق فسخ قرارداد با وجود امکان الزام به اجرا در حقوق ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷-۳۱۴.
- سید علی، حائری شاه باغ، شرح قانون مدنی، جلد اول، چاپ سوم، (تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷).
- سید محمد رضا، حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، چاپ ششم، (تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۳).
- ابراهیم، شعاریان و فرشاد، رحیمی، حقوق بیع بین المللی، چاپ دوم، (تهران، شهر دانش، ۱۳۹۵).
- پرویز، نوین و عباس، خواجه پیری، حقوق مدنی (عقود معین ۱)، چاپ دوم، (تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲).
- سیدحسین، امامی، حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ سی و دوم، (تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰).
- ناصر، کاتوزیان، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد پنجم، چاپ دوم، (تهران، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، ۱۳۷۶).

ب- لاتین

- Allison E. Butler, A Practical Guide to the CISG: Negotiations Through Litigation, Aspen Publishers (2007 Supplement 2), Cisgw3. Law. Pace. Edu
- Gema Tomas, Utile per inutile Non Vitiatur: Can Favor Contractus be Considered a European Regula iuris? ERCL, 2016, 12(3), 259-286-
- Bertram Keller, Favor Contractus Reading the CISG in Favor of the Contract in: - Nicole Kornet, EVOLVING GENERAL PRINCIPLES OF INTERNATIONAL COMMERCIAL CONTRACTS THE UNIDROIT PRINCIPLES AND FAVOR CONTRACTUS, FACULTY OF LAW\ MAASTRICHT UNIVERSITY JANUARY 2011, available at: <http://www.ssrn.com>
- Min Yan, Remedies under the Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the United Kingdom, s Sale of Goods Act: A Comparative Examination, Hong Kong Law Review, Volume 3: 1, Fall 2011, pp 111-139, p. 117
- Ingoberg, Schwenzer, The Right to Avoid the Contract, Annals FLB-Belgrade Law Review, Year LX, 2012, No. 3, p. 213
- John C. Duncan Jr, Nachfrist Was Ist? Thinking Globally and Acting Locally: Considering Time Extention Principles of the UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods in Revising the Uniform Commercial Code, BYU Law Review, Volume 2000, Issue 4, 1363-1412, p. 1382.
- Anna Kazimierska, The Remedy of Avoidance under the Vienna Convention on the International Sale of Goods, 1999, Pace Review of the Convention on Contracts.
- E. Fisher, Remedies for the Breach of Contract under the International Sales Convention, 1 Mac. Law Review, 1997, 245
- Peter A. Piliounis, The Remedies of Specific Performance, Price Reduction and Additional Time (Nachfrist) under the CISG: Are these Worthwhile Changes or Additions to English Sales Law, International Law Review, Volume XII, Number 1, 2000, 1-46.
- Maryellen, Dipalma, Nachfrist under National Law, The CISG and The UNIDROIT and European Principles: A Comparison, International Contract Advisor, Kluwer, C. 5, S. 1, 1999, s. 28 vd
- Termination in Regards to Breach of Time and Documentary Obligations in CIF Contracts, University of Oslo, 2015, 31.
- R. Zimmermann, Breach of Contract and Remedies under the New German Law of Obligations, Saggi, Conferenze e Seminari 48, Roma 2002, p. 8

- Natia, Chitashvili, The Concept of Fundamental Breach in Comparative Perspective and its Impact on Georgian Contract Law, Polish-Georgian Law Review, UWM, 2015, 2, 62,
- Leung Sze, Lum, A Comparative Analysis on the Avoidance of under CISG and PICC, 2013, 1, Available at: <http://hdl.handle.net/2031/8362>.
- Remedies Available for Breach of Contract under the UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods, Singapore Academy of Law Journal, 8 (1996), 119.
- Remedies under the Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the United Kingdom, s Sale of Goods: A Comparative Examination, min yan university of Hongkong Law Review, V 13: 1, 2011, 111-139, 117.
- Amir Al-Hajaj, The Concept of Fundamental Breach and Avoidance under CISG, Ph.D Thesis, Brunel University, 2015, 24
- Jonathan, Yovel, The Buyer,s Right to Avoid the Contract in International Sales, 2010, 8, Available at: <https://ssrn.com/abstract=906608>
- Peter A. Piliounis in: The Remedies of Specific Performance, Price Reduction and Additional Time (Nachfrist) under the CISG: Are These Worthwhile Changes or Additions to English Sales Law, 1999,
- ¹ Karollus, Martin (1995), » Judicial Interpretation and Application of the Cisg in Germany 1988-1994«, Reproduced with Permission from the Cornell Review of the Convention on Contracts for the International Sale of Goods, pp.51-94 (Karollus, 1995, p.71.
- Tobias, Plate, The Buyer,s Remedy of Avoidance under the CISG: Acceptable from a Common Law Perspective? 2002, 6 Vindobona Journal of International Commercial Law and Arbitration, 56-57.
- Honnold, John O (1999), Uniform Law for International Sales under the 1980 International Sales Law, 2ed. Ed., Kluwer Law International.
- Chengwei L. Remedies for Non-performance - Perspectives from CISG, UNIDROIT Principles and PECL, CISG Database, Pace Institute of International Commercial Law. 2003;p. 65.
- Huber, Peter & Mullis, Alastair (2007) The CISG: A New Text Book for Student and Practitioners, European Law Publishers.
- Enderlein & Maskow, 1992, p.242 ; Honnold, 1999, p.384 ; Kritzer, 1998, p.426 .)
- Kritzer ,Albert H (1998), Guide to Practical Application of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, Boston, Kluwer Law and Taxation Publishers.
- Koch, 2007, p.200 ; Kritzer, 1993, p.429; Sevon, 1986, p.225 .
- Sevon, Leif (1986), Obligation of the Buyer Under the UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods, Oceana Publications, It Is Available on : <www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/sevon1.html>.
- Koch, Robert (2007), «Seller's Right to declare Avoidance Based on Non-compliance with Nachfrist« , book: An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on CISG, Edited by John Felemegas, Cambridge University Press.
- afMette Bygum, Extention and Limitation of the Buyer,s Right to Avoid the Contract under the CISG, RETTID 2010, P. 13, Available at:
- Nguyen Tien Hoang, Nguyen Nguyen Cat Anh, Tran Nguyen Thien Ly, Extention for Contract Performance under the CISG 1980 and Implications for Vietnamese Businesses, Science & Technology Development Journal - Economics - Law and Management, 6(2): 2022, 2689-2700, p. 2692.
- Nguyen Tien Hoang, Nguyen Nguyen Cat Anh, Tran Nguyen Thien Ly, op. cit, 2696.
- Viscasillas, 2005, p.99. Perals viscasilas, Pilar »The Nachfrist Remedy«, Reproduced with Permission of the SIAC, It Is Available on: www.cisg.law.pace.edu/article 47>.
- Kutluhan, Erkan, Milletlerarasi Mal Satimina Iliskin Sozlesmeler Hakkinda Birlesmis M,illetler Antlasmasi (CISG) Gergince Alicinin Sozlesmeden Donmesi, Yuksek Lisans Tezi, Istanbul 2012, 100.

The Additional Deadline and its Effects with a Look at International Documents and Iranian Law

Abstract:

The performance of a contract is the ultimate goal of each contracting party, and the sanctions for its violation varies depending on the legal system, from requiring the performance of the contract itself to terminating it. However, the injured party may grant the other party a new period of time to perform the contract. By granting a period of time, two immediate effects occur: Firstly, it is not possible to invoke performance guarantees that conflict with the granting of a grace period during that grace period. Secondly, the granting of a grace period does not affect the acquired rights of the grantor of the grace period, namely the right to terminate and claim damages resulting from the delay in the performance of the contract. The recognition of this doctrine, which has its roots in German law, is in harmony with several principles of contract law that today adorn many national and international legal documents, such as the preservation of the contract, interpretation in favor of the contract, good faith, prohibition of contradictory conduct, reasonableness, etc. This article intends to evaluate, in a descriptive and analytical manner and in a comparative manner, the doctrine of granting additional time (Nachfrist) in the Vienna Convention, the Principles of European Contract Law, the Principles of UNIDROIT, and Iranian law. In short, it can be said that identifying this doctrine is a step towards preserving the contract and the security of legal relations, and therefore it is reasonable in harmony with the principles governing the contract.

Keywords: Additional Deadline, Preservation of Contract, Termination, Vienna Convention, UNIDROIT, PECL and Iran.